

فصلنامه مطالعات سیاسی
سال سیزدهم، شماره ۵۱، بهار ۱۴۰۰
صفحات: ۲۲۹-۲۵۱
تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۷/۱۰؛ تاریخ پذیرش نهایی: ۱۳۹۹/۱۱/۲۰
مقاله: پژوهشی

جریان تکفیری - سلفی در خاورمیانه و تأثیرات آن بر امنیت محیطی جمهوری اسلامی ایران

علی قاسمیان*

چکیده

جریان تکفیری- سلفی و ظهور گروه‌های تروریستی وابسته به آن‌ها، بخصوص بعد از تحولات بیداری اسلامی در خاورمیانه به معضلی برای کشورهای این منطقه تبدیل شده است. گروه‌های وابسته به این جریان به واسطه نظام اعتقادی مذهبی مطلق‌گرا، ستیزه‌جو و باکار ویژه و عقبه اعتقادی- هویتی خاصی که دارند، با دو قطبی سازی جهان اسلام، ضمن مخدوش کردن همبستگی اسلامی با ایجاد منازعه مذهبی، ثبات و تعادل جوامع اسلامی را برهم زده و از این طریق امنیت ملی کشورهای اسلامی را با چالش مواجه نموده‌اند. در این راستا، هدف این نوشتار توصیفی- تحلیلی، تبیین و شناخت تأثیرات جریان تکفیری- سلفی بر محیط امنیتی جمهوری اسلامی ایران اعم از محیط داخلی و خارجی است. نتایج و یافته‌های تحقیق بیان‌گر آنست که گروه‌های وابسته به جریان تکفیری و سلفی مبتنی بر پشتیبانی مالی- تجهیزاتی رژیم اسرائیل و عربستان سعودی و در راستای تسلط آن‌ها بر منطقه از یکسو به دنبال ایران هراسی و تضعیف محور مقاومت و مشروعیت سازی برای اسرائیل در محیط خارجی و از سوی دیگر انتقال ناامنی به داخل حوزه سرزمینی و تهدید منافع، تضعیف نظام اسلامی، ترویج قوم‌گرایی، ترویج افراط‌گرایی مذهبی و تشدید جنگ شیعه و سنی در محیط داخلی جمهوری اسلامی ایران است.

کلیدواژه‌ها:

تکفیری؛ خاورمیانه؛ تروریسم؛ استراتژیک؛ ژئوپلتیک؛ القاعده.

* استادیار گروه علوم سیاسی و روابط بین‌الملل، واحد خرم‌آباد، دانشگاه آزاد اسلامی علوم سیاسی، خرم‌آباد، ایران.
ali.ghasemiyan@gmail.com

مقدمه

یکی از جریان‌هایی که در سال‌های اخیر نقش بسزایی در سیاست‌های منطقه‌ای ایفا کرده و هر روز بر دامنه گسترش نفوذ آن در منطقه افزوده می‌شود، جریان «سلفی» است. سلفی‌گری متعصب به ویژه فرقه‌های آن زیربنای عقیدتی و فکری مستحکمی ندارند و با جریان بیداری اسلامی و انقلاب منطقه و شمال آفریقا بیگانه است. این جریان منحرف تنها در شرایط بحرانی و با حمایت سیاسی و مالی قدرت‌های خارجی قادر به ادامه حیات خون‌بار خود هستند. گسترش جریان تکفیری در کشورهای اسلامی با اندیشه و تفکر شیعه‌هراسی و ایران‌هراسی و اختلاف بین اهل سنت و شیعه در حال جریان است. متأسفانه در هر یک از کشورهای اسلامی که جریان سلفی‌گری تندرو فعال شده است، خشونت، ترور و اختلاف مذهبی و فرقه‌ای نیز گسترش یافته است؛ تاکنون هزاران مسلمان بی‌گناه، در اثر اقدامات تروریستی و خشونت‌آمیز تکفیری‌ها جان خود را از دست داده‌اند. برخی از جریان‌های سلفی بویی از انسانیت نبرده‌اند و حتی کودکان و زنان قربانی اندیشه‌های ارتجاعی و خشونت‌طلبانه آن‌ها شده‌اند.

سلفی‌ها با برداشتی انحرافی و گزینشی از آموزه‌های عدالت‌خواهانه و بشردوستانه اسلام، موجب خدشه‌دار شدن چهره انسانی و ظلم‌ستیز اسلام شده‌اند. اکنون جریان سلفی‌ها تکفیری با اندیشه‌های ارتجاعی‌شان عملاً در خدمت سیاست‌های آمریکا درآورده‌اند. القاعده، طالبان و سایر گروه‌های سلفی مشابه در کشورهای عراق، سوریه، یمن، مصر، تونس، الجزایر، پاکستان و بسیاری دیگر از کشورهای اسلامی به مهره‌بازی آمریکایی‌ها در کشورهای اسلامی تبدیل شده‌اند. آنها با تفکرات متعصبانه خود تصویر اسلام را در افکار عمومی جهان مخدوش می‌کنند. دولت آمریکا و هم‌پیمانان اروپایی‌اش موج اسلام‌ستیزی را در جهان به راه انداختند و مدیریت می‌کنند. آن‌ها برای توجیه سیاست‌های اسلام‌ستیزانه‌شان اقدامات تروریستی و خشونت‌بار سلفی‌ها را به عنوان نشانه‌های خشونت و افراط‌گرایی دین اسلام به مردمشان و افکار عمومی جهان معرفی می‌کنند. به همین خاطر سؤال اصلی در این مقاله آن است که جریان تکفیری‌ها چگونه شکل گرفته است؟ حضور این گروه چه تأثیری بر امنیت خاورمیانه به ویژه جمهوری اسلامی ایران خواهد داشت؟

هدف مقاله پاسخ به این سؤال است. به نظر می‌رسد جریان تکفیری‌ها پس از موج بیداری اسلامی در خاورمیانه به طور آشکار با حمایت‌های مالی و سیاسی آمریکا، عربستان و رژیم صهیونیستی شکل گرفته است. همچنین جریان تکفیری‌ها با ظهور و قدرت‌نمایی در چند سال

_____ جریان تکفیری - سلفی در خاورمیانه و تأثیرات آن بر امنیت محیطی ...

اخیر امنیت خاورمیانه را به ویژه در عراق، سوریه، یمن و افغانستان به شدت تحت تأثیر قدرت‌نمایی این جریان قرار داده است. با توجه به اینکه این گروه تروریستی در غرب و شرق ایران در حال فعالیت می‌باشند، امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران هم تحت تأثیر قرار می‌گیرد.

۱. مبانی نظری

۱-۱. **بیداری اسلامی:** به نظر می‌رسد عمده و فضای هنجاری در دهه اول قرن بیست و یکم مبتنی بر تهدید جهانی اسلام قرار گرفت که نتیجه آن تحکیم بنیادهای نظام بین‌الملل سلطه و ارزش‌های لیبرال دموکراسی بوده است. اما از آغاز اعتراضات مردمی و شروع نتیجه (بهار عربی یا «بیداری اسلامی» از سال‌های ۲۰۱۰ بدین سو خوانده می‌شود، گروه‌های سلفی-افراطی هم توسعه یافته و در گوشه کنار خاورمیانه، آسیای مرکزی، آفریقا و... بروز و ظهور یافته است. تحولات پرشتاب خاورمیانه در سال‌های اخیر از سقوط مبارک و بن‌علی تا شدت گرفتن نبرد داخلی در سوریه، سقوط اخوان‌المسلمین در مصر و... در کنار گسترش مجدد افراط‌گرایی آمریکا را مجدداً ترغیب نمود تا از ظرفیت اسلام سلفی بهره‌گیری نماید، آن چنان که در افغانستان و علیه شوروی از آن بهره‌مند گردید (مهربان، ۱۳۸۷: ۵۶-۳۱).

۱. بدون شک اولین جنبش بیداری اسلامی در سال ۱۹۷۹ در ایران شکل گرفت. رهبری ملت مستضعف ایران در راستای آموزه‌های اسلامی به رهبری امام خمینی (ره) انرژی بسیار عظیمی تولید کرد که به سرنگونی دیکتاتوری بزرگ خاورمیانه و هم‌پیمان اصلی ایالات متحده در منطقه یعنی رژیم پهلوی انجامید. ابعاد بیداری اسلامی در ایران فوق‌العاده وسیع بود تا جایی که در قلمرو جغرافیایی این کشور محصور نماند و امواج آن جنبش‌های اسلام‌گرای آزادی‌بخش، سایر کشورهای منطقه را نیز به پویایی و تحرک واداشت.

۲. پس از مدتی دومین موج آن در لبنان آغاز که به حصول نتایج مشابه با انقلاب ایران و البته در مقیاسی کوچک‌تر انجامید. شیعیان لبنان که از محروم‌ترین طوایف این سرزمین به شمار می‌آمدند، تحت تأثیر نهضت امام خمینی (ره) و در سایه بیداری اسلامی تشکّل حزب‌الله را با هدف مقاومت در برابر تجاوزات رژیم صهیونیستی پایه‌گذاری کردند. حزب‌الله ظرف چند سال به چنان قدرتی دست یافت که کابوس سربازان اشغالگر شد و سرانجام در سال ۲۰۰۰ میلادی

اسرائیل را از اراضی اشغال جنوب لبنان بیرون راند و در تابستان ۲۰۰۶ نیز طی ۳۳ روز نبرد سنگین ماشین جنگی این رژیم را به زانو درآورد.

۳. موج سوم بیداری اسلامی در اواخر سال ۲۰۱۰ در تونس پدیدار شد و در کمال ناباوری تحلیل‌گران و سیاست‌مداران دامنه‌ی آن ظرف چند ماه به بسیاری از کشورهای خاورمیانه تسری یافت (بصیری، ۱۳۹۰: ۱۱۲). بنابراین گسترش فقر اقتصادی و حاکمیت استعمار در دنیای اسلام سبب گردیده است تا بخشی از جوانان مسلمان رجعتی واپس‌گرایانه به اندیشه‌های وهابی- سلفی داشته باشند. این واپس‌گرایی، در دو مقطع تجاوز شوروی به افغانستان در ۱۹۸۰م جنگ اول خلیج فارس در سال ۱۹۹۱ و نهایتاً شمال عراق در سال ۲۰۰۳ به دلیل حضور نظامی دنیای غرب در دارالسلام نمودهای عینی پیدا کرده و سرمنشأ شکل‌گیری گروه‌های تروریستی گردیده است (الگار، ۱۳۸۶: ۳۹).

حمله به برج‌های دوقلوی تجارت جهانی در آمریکا که بزرگترین عملیات تروریستی در ابتدای قرن ۲۱ بود موجب شد غرب از این فضا استفاده کرده و تمام اسلام را به صورت تروریستی، جهادی و رادیکال و بنیادگرا نشان دهد که نمی‌شود با آن وارد مذاکره شد (Arshad- Khan, 2003).

حوادث ۱۱ سپتامبر را می‌توان پایان دوره گذار سیاست خارجی آمریکا دانست. این حادثه با خلق دشمن جدیدی به نام تروریسم، زمینه را برای بهره‌برداری آمریکا از سیاست‌های خود از نظام بین‌الملل با توجه به مفهوم تروریسم فراهم کرد. چه اینکه دشمن تراشی و ایجاد دشمن فرضی یکی از لازمه‌های تعقیب استراتژی توسعه‌طلبانه غرب و به ویژه ایالات متحده است. از این رو خاورمیانه، مرکز ثقل سیاست خارجی آمریکا پس از حادثه ۱۱ سپتامبر شد؛ چرا که آمریکا ارزش‌های هویتی خود را در تعارض با ارزش و هنجارهای مردم این منطقه یافت.

رشد تروریسم و افراط‌گرایی مذهبی و قومی در منطقه خاورمیانه در طول سال‌های اخیر، نظم و ثبات سیاسی - اجتماعی و پیشرفت اقتصادی کشورها را به شدت تحت تأثیر قرار می‌دهد. وهابیت و سلفی‌گری به‌عنوان نوعی ایدئولوژی مذهبی افراطی، منبع عمده گسترش تروریسم و تنش‌های مذهبی بوده و این ایدئولوژی به‌واسطه آشفتگی کلی منطقه‌ای و برخی ملاحظات سیاسی بازیگران ذی‌نفع، فضایی گسترده‌تر برای انتشار و تأثیرگذاری پیدا کرده است. عملیات‌های انتحاری و تروریستی گروه‌های تکفیری، به‌صورت گسترده و سازمان‌یافته در عراق و حتی در کشورهای اروپایی و در میان مردم بی‌گناه، پدیده‌ای جدید در تاریخ اسلام است؛ این

روش‌ها (تاکتیک‌ها)، ضمن حاکم کردن فضای غیرعقلانی و رشد تعصب‌های مذهبی و همچنین، نضج‌گرفتن برخی گرایش‌های افراط‌گرایانه در میان مسلمانان، از اساس در تعارض با رویکرد مسالمت‌آمیز و صلح‌طلبانه جمهوری اسلامی ایران قرار دارد.

عملکرد کشورهای حامی داعش، فضای مفاهمه و تعامل سازنده را تضعیف و منطقه را به تنش و ناآرامی دچار می‌کند؛ در نتیجه، همگرایی جای خود را به واگرایی منطقه‌ای می‌دهد. فعالیت تکفیری، حضور مجدد آمریکا را در عراق و سایر کشورهای منطقه خلیج فارس سبب می‌شود و جمهوری اسلامی ایران، هرگونه مداخله و افزایش حضور آمریکا در منطقه را مانعی در راه تحکیم پیوندهای خود با کشورهای عربی برای امنیت‌سازی در خلیج فارس تلقی کند؛ روابط دوجانبه نظامی-امنیتی آمریکا با این کشورها، از جمله قراردادهای خرید سلاح چندصدمیلیاردی میان عربستان سعودی و آمریکا در دوران ریاست‌جمهوری دونالد ترامپ، عاملی مهم در جهت پیشگیری از همکاری‌ها و تعامل‌های منطقه‌ای و به هم خوردن معادلات منطقه است؛ بنابراین، حضور نیروهای ناتو در منطقه، هزینه‌های امنیتی ایران را در بلندمدت بالا خواهد برد؛ از سوی دیگر، حضور این نیروها در همسایگی روسیه برای روس‌ها خوشایند نیست و این مسئله، باعث رقابت میان دو ابرقدرت روسیه و آمریکا خواهد شد و در نهایت، زمینه به راه افتادن جنگ نیابتی و ایجاد ناامنی را در منطقه فراهم خواهد کرد (رضایی فرهانی، ۱۳۹۴: ۱۲۶).

پیروزی نیروهای مقاومت و حزب‌الله در جریان تجاوز رژیم صهیونیستی به لبنان در سال ۲۰۰۶ آمریکا، صهیونیسم بین‌الملل و هم‌پیمانان عربی آن‌ها را سخت به وحشت انداخت؛ در همان زمان، وزیر امور خارجه اسرائیل اعلام کرد که تنها راه ممکن برای غلبه بر جبهه مقاومت، ایجاد اختلاف میان شیعه و سنی و در نهایت، ایجاد تنش در منطقه است؛ مئیر داگان، رئیس موساد نیز این موضوع را بارها تکرار کرد و آن را تنها راه مقابله با مقاومت دانست. داعش تحت تأثیر جریان‌های صهیونیستی و امپریالیستی، این نقش را عهده‌دار شد. فعالیت‌های تروریستی داعش، ضمن حاکم کردن فضای جنون‌آمیز و غیرعقلانی در میان مسلمانان، باعث رشد تعصب‌های مذهبی و گرایش‌های افراطی و به شدت انتقام‌جویانه در میان مسلمانان می‌شود؛ این موضع، به شدت در تعارض با رویکرد و مشی مسالمت‌آمیز جمهوری اسلامی ایران قرار دارد و عقلانیت‌محوری و نفی خشونت را که یکی از مهم‌ترین اصول سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران است، تهدید می‌کند (رضایی و موسوی، ۱۳۹۶: ۱۵۹-۱۵۸).

۱-۲. ماهیت و روند ظهور داعش

داعش یا به اصطلاح دولت اسلامی عراق و شام در سال‌های ۲۰۰۳ تا ۲۰۰۶ از دل القاعده بیرون آمد. شعارهای داعش و همراهی آن با باور قوم‌گرایانه بعثی و ادعای «خلافت اسلامی» یادآور دوران خلافت عباسی به اذهان است. «ابوبکر البغدادی القریشی الحسینی» خلیفه داعش در رؤیای رسیدن به دورانی تازه از خلافت، آن هم از نوع عباسی - که لقب بغدادی‌اش هم ریشه در آن دارد، کوشیده است از اطلاعات تاریخی خود زیرکانه بهره جوید و در رأس سپاه داعش، سپاه جامگان خود را مانند سپاه پوش ابومسلم خراسانی به پشت دروازه‌های بغداد برساند. منطق او در گزینش نام (ابوبکر) خلیفه نخست برای پیوند دادن خود به عهد خلافت نخستین اسلامی نزد اهل سنت و جماعت است و از قریشی شمردن خود با هدف طرح صلاحیت برای تصدی امور حرمین شریفین بهره‌برداری کرده و سرانجام پسوند (حسینی) را برای اثرگذاری بر شیعیان عراق برگزیده است اما برخی از پژوهشگران بر این باورند که وی نقش عبدالله سفاح را در شکل‌گیری خلافت عباسی دارد. وی با پوششی چندگانه همه را می‌فریبید تا دوران گذار برای روی کار آمدن خلیفه اصلی را به پایان رساند (عباس‌زاده فتح‌آبادی، ۱۳۹۴: ۶۴). نشانه‌ها گویای آن است که داعش با این شیوه هویت‌جویی، هدف‌هایی فراتر از طرف عراق و سوریه را دنبال می‌کند. شاید یکی از دلایل به کار گرفتن جنگجویان خارجی از نظر تبلیغاتی همین باشد. گرچه امروزه دامنه فعالیت داعش محدود به خاورمیانه است، ولی این تشکیلات تندرو می‌خواهد به باورهای خود رنگ جهانی بدهد و از همین رو است که گروهی خود را «دولت اسلامی» نامیده است (عباس‌زاده فتح‌آبادی، ۱۳۹۴: ۶۵).

گروه اسلامی داعش خود را پدیده‌ای هویتی می‌داند که وظیفه زنده کردن نهاد خلافت و امارت اسلامی و بازسازی شوکت اهل سنت را دارد. می‌توان مؤلفه‌های فرهنگی گروه داعش را در مواردی چون خلافت، شهادت و جهاد دسته‌بندی کرد. آنها زنده کردن نهاد خلافت و لزوم اطاعت از خلیفه ستمکار را مجاز می‌دانند. در بحث جهاد خود را بر حق می‌دانند و افراد غیرمسلمان را تکفیر می‌کنند و در باب جهاد و شهادت نیز بر این باورند که با دست زدن به عملیات انتحاری و تروریستی برای رسیدن به بهشت گام برمی‌دارند. داعش در بحث شهادت از آموزه‌های مورد تأکید اسلام به عنوان حربه‌ای برای جذب جوانان پرشور در نقاط گوناگون جهان بهره گرفته و بدین‌سان به یکی از کانون‌های جنگ و عملیات انتحاری تبدیل شده است. با توجه به سؤال اصلی مقاله با چشم‌اندازی بر آینده می‌توان گفت بیداری اسلامی در منطقه‌ی

_____ جریان تکفیری - سلفی در خاورمیانه و تأثیرات آن بر امنیت محیطی ...

خاورمیانه و در نقاط جهان در حال اوج‌گیری و گسترش می‌باشد و بازخورد آن بر راهبرد سیاست خارجی و امنیتی و فرامنطقه تأثیر اساسی گذاشته است. در نتیجه آمریکا و بعضی از کشورهای مرتجع عرب و رژیم صهیونیستی جهت تقابل با این بیداری اسلامی، گروه تروریستی تکفیری ایجاد نمودند.

رشد جریان های سلفی - تکفیری با حمایت دولت هایی مانند عربستان سعودی و قطر در راستای اهداف استراتژیک خویش در منطقه منجر به یک منازعه مذهبی در قالب تقابل شیعه-سنی شده است در بحران های کنونی و کشتارهای خونین شیعیان بدست گروه های تکفیری در سوریه و عراق این امر عینیت یافته است. حساسیت روی هویت و ترمینولوژی شیعی، از جمله بارزترین نقاط اشتراک طیف ها و گرایش های مختلف سلفی گری است. باین تفاوت که طیف معتدل آن، شیعیان را «مسلمانان منحرف و بدعت گذار» می نامند که سلفیون، بی واهمه تشیع را «دین خودساخته» می خوانند (سیدنژاد، ۱۳۸۹: ۱۰۷).

زبان و ادبیات ایدئولوژیک سلفی گری در این باره نظام نشانه شناسی است که تحلیل گفتمان زرقاوی ویا آثار دیگر نظیر کتاب عبدالرحمن عطیه الله از نظریه پردازان و چهره های شاخص القاعده، نمودار آن است: «شیعه نه تنها از مارکین و خارجیین از امت است، بلکه متعلق به دین خودساخته ای است که هدف نهایی آن از طریق ایران، سلطه بر اهل سنت و به دست گرفتن زمام رهبری امت اسلامی است». این تصویر سازی ضدایرانی و ضدشیعی با بهره گیری از نشانه شناسی فرهنگ، همه روزه در عراق روبه گسترش است. به ویژه از سال ۲۰۰۳ به بعد سلفی ها، عراق از دست «اسلام راستین» خارج شده و به دست «رافضان شیعه» افتاده است (سیدنژاد، ۱۳۸۹: ۱۰۸).

۳-۱. جریان تکفیری تروریستی بر امنیت خاورمیانه

بیش از یک قرن از شکل‌گیری خاورمیانه با مرزبندی کنونی می‌گذرد، اما بحران‌های متعدد همچنان این منطقه را دست‌خوش بی‌ثباتی می‌سازد. موقعیت استراتژیک و نقش خاورمیانه در بازی قدرت‌های بزرگ برخوردار از ذخایر عظیم انرژی، همراه با شکاف‌های قومی - مذهبی، این حوزه را به عرصه تعارضات داخلی و نفوذ گسترده خارجی در ۱۰۰ سال اخیر تبدیل کرده است. پس از حادثه ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ به تبع آن حمله آمریکا به عراق، بحران در خاورمیانه وارد عرصه جدیدی شد. در واقع، حمله آمریکا و نیروهای ائتلاف به عراق به عنوان یک متغیر بین‌المللی باعث تغییر شرایط و ساختار سیاسی عراق شده است. در این میان ظهور پدیده

دولت عراق و شام در محدوده سرزمینی عراق همواره با مشی تروریستی عریان، زمینه شکل‌گیری پلکانی ناامنی را در این کشور فراهم آورده است که بر همین مبنا می‌توان به توجیه راهبرد مدیریت بی‌ثباتی توسط ایالات متحده رسید. با توجه به مطالب فوق، واشنگتن در مبارزه با تروریسم، سیاست یک بام و دو هوا را بر پایه منفعت محوری دنبال می‌کند، به طوری که هر زمان که اقدامات نیروهای تندرو با برنامه‌های آمریکا همخوانی نداشت باشد. این کشور به رویارویی با آن‌ها برمی‌خیزد و در هر منطقه‌ای که تروریست‌ها منافع این کشور را در نظر داشته باشند، از پشتیبانی آمریکا برخوردار خواهند بود. در نتیجه آمریکا درباره داعش تعلل کرده، اما این یک واقعیت است که واشنگتن نه به داعش اجازه تشکیل دولت را در عراق می‌دهد و نه فعلاً اجازه حذف این گروه را در خاورمیانه می‌دهد (Afrasiabi, 2014: 129). پیدایش گروه‌های تکفیری در خاورمیانه و اثرگذاری آن بر ژئوپلیتیک منطقه از این نشانه‌های فرهنگی و هویتی مایه می‌گیرد.

بحران عراق، سوریه و یمن و نقش گروه‌های سلفی تندرو را می‌توان بازتاب تضادهای هویتی در فرایند رقابت‌های ژئوپلیتیکی دانست. در این فرایند، بازیگران منطقه‌ای و قدرت‌های بزرگ، هدف‌های ژئوپلیتیکی خود را با سازوکارهای هویتی پیگیری می‌کنند و هر یک از بازیگران می‌کوشند زمینه‌های لازم را برای چیرگی بر دیگر بازیگران فراهم آورد. از دگرگونی‌های مهم در کشورهای عربی خاورمیانه در آغاز دومین دهه از سده بیست و یکم به راه افتادن اعتراضات مردمی و سرنگونی حکومت در شماری از این کشورها بود. این وضع گونه‌ای دمی‌نوی منطقه‌ای به راه انداختن و بحران از یک کشور به کشور دیگر گسترش یافت. این دگرگونی‌ها برای عربستان به عنوان پشتیبان نظم سلفی در منطقه خطری جدی شمرده می‌شد و از این رو یکی از سیاست‌های آن کشور در منطقه عربی خاورمیانه به ویژه در عراق و سوریه پشتیبانی از گروه‌های رادیکال برای جلوگیری از گسترش نفوذ شیعیان بود.

تحولات اخیر در عراق و سوریه توسط داعش را باید ناشی از یک برنامه‌ریزی در سطح منطقه دانست که رقابت‌های منطقه‌ای به جای رویارویی مستقیم به جنگی نیابتی در مناطق نفوذ کشورهای رقیب کشانده شده که پیامدهای بسیاری نیز برای کشورهای هدف و همچنین برای ثبات کل منطقه خاورمیانه در پی دارد. در این پیوند روزنامه «الشرق الاوسط» چاپ عربستان نوشت: اقدام‌ها و تهدیدهای داعش در عراق، همه منطقه را به سوی مصیبتی که پیامدهای

_____ جریان تکفیری - سلفی در خاورمیانه و تأثیرات آن بر امنیت محیطی ...

ناگواری دارد، سوق خواهد داد. به نوشته این روزنامه طرح‌های بزرگی در دست اجراست تا همه مردم منطقه خاورمیانه را وارد شعله‌های آتش کند(هوشی سادات، ۱۳۹۳: ۷۸).

نقش آمریکا در حمایت از گروه‌های تروریستی تکفیری بهانه‌ای خواهد بود جهت سیطره بر خاورمیانه و امنیت اسرائیل. هیلاری کلینتون در کتاب خود تحت عنوان گزینه‌های سخت می‌گوید من به ۱۱۲ کشور جهان سفر کرده بودم و با برخی از دوستان این توافق حاصل شد تا به محض اعلام تاسیس داعش این گروه به رسمیت شناخته شود توافق شده بود تا گروهک داعش در روز ۵/ ۷/ ۲۰۱۳ اعلام شود و ما منتظر اعلام تاسیس آن بودیم تا ما و اروپا هرچه سریع‌تر آن را به رسمیت بشناسیم.

با این اعترافات وزیر خارجه سابق آمریکا دیگر شکی باقی نمی‌ماند که این کشور در شکل‌گیری و قدرت‌یابی این گروهک نقش داشته باشد اما نفوذ گسترده آن‌ها به عراق آمریکا را غافلگیر نمود بنابراین آمریکا به مقابله با آن‌ها برخواست تا به انتقادات مطرح شده پاسخ گفته باشد و همچنان به موضوع ضدتروریستی اش تاکید ورزد سیاستمداران آمریکایی به خوبی آگاهند که اگر عرصه خاورمیانه و عراق را خالی بگذارند با این جمهوری اسلامی ایران است که دست برتر را در منطقه خواهد داشت از این منظر ایالات متحده می‌خواهد با ایفای نقشی موثر در این منطقه نفوذ داشته باشد و از قدرت بیشتر ایران جلوگیری کند(سهرابی، ۱۳۹۷: ۵۹).

حمایت رژیم صهیونیستی از گروهک‌های تکفیری: در حالی که گروه تروریستی داعش خود را یک گروه اسلامی عربی می‌داند اسناد زیادی از وابستگی این گروه تروریستی به رژیم غاصب صهیونیستی به دست آمده است. با گذشت نزدیک به سه سال از ورود نیروهای گروهک تروریستی داعش به عراق می‌گذرد در این مدت با انجام اقدامات تروریستی و کشتار مردم بیگناه به دنبال برآورده کردن اهداف رژیم غاصب صهیونیستی در منطقه است با گذشت نزدیک به سه سال از ورود تروریست‌ها به سوریه و همچنین در طول حضور تروریست‌ها در عراق شواهد و دلایل زیادی از همکاری همه تروریست‌های تکفیری با رژیم مخاطب صهیونیستی به دست آمده است.

یکی از این شواهد اعزام تروریست‌های زخمی به سرزمین‌های اشغالی و مداوای آن‌ها توسط پزشکان رژیم غاصب صهیونیست است. به طوری که روزانه چندین تن از تروریست‌ها از طریق مرزهای زمینی یا هوایی به این سرزمین می‌روند و پزشکان صهیونیست تمام امکانات و توان خود را برای مداوای آن‌ها و بازگشت دوباره به میدان‌های نبرد در سرزمین‌های مسلمانان به

کار می‌گیرند پیش از این تصاویر و فیلم‌های زیادی از بیمارستان‌های صحرایی اسرائیل منتشر شده است که نحوه مراقبت و رسیدگی پزشکان اسرائیلی از مجروحین تکفیری را نشان می‌دهد نکته دیگری که می‌توان به آن اشاره نمود که پشتیبان اصلی تروریست‌های تکفیری رژیم غاصب صهیونیستی است که این موضوع بارها توسط سران این رژیم غاصب اعلام شده است (شیرازی و همکاران، ۱۳۹۱: ۱۸۳).

در واقع منابع مالی داعش از سوی برخی کشورهای حوزه خلیج فارس به ویژه رژیم غاصب صهیونیستی عربستان سعودی، قطر، کویت و امارات تامین می‌شود هم چنین سلاح‌هایی که گروه دولت اسلامی عراق و شام مرسوم به داعش در ولایت الانبار برای جنگ علیه اردوی عراق استفاده می‌کند ساخت اسرائیل بوده و از طریق مرزهای سوریه و عراق به الانبار می‌رسد. در حالی که سال‌های زیادی است که دشمن واحد همه مسلمانان جهان اسرائیل است و همه مسلمانان با اتخاذ خود به دنبال نابودی این رژیم غاصب صهیونیستی هستند داعش اعلام کرده است که دشمن اصلی آن‌ها نه تنها اسرائیل نیست بلکه مسلمانانی است که از داعش تبعیت نمی‌کنند.

برخلاف چند سال گذشته که چهره واقعی گروه‌های تکفیری را پشت پرده‌های نفاق پنهان مانده بود اکنون چهره واقعی این گروهک تروریستی مشخص شده است و اسناد زیادی از آموزش‌های نظامی این گروهک تروریستی در مناطق مرزی اردن و سوریه و همچنین اردن با عراق توسط نیروهای آموزشی اسرائیلی منتشر شده است در واقع نیروهای تکفیری درس‌های ابتدایی خود را در مدارس تکفیری که با هزینه و هابیت و اسرائیل اداره می‌شوند قرار می‌گیرند و برای گذراندن دوره‌های عملی خود زیر نظر سازمان جاسوسی موساد و همچنین آموزش‌های نظامی خود را توسط فرماندهان نظامی صهیونیست قرار می‌گیرند (موثقی، ۱۳۸۳: ۴۳).

آمریکا هویت و فرهنگ اصلی اسلامی را به عنوان مهم‌ترین مانع بر سر راه دستیابی به منافع و اهداف خود در خاورمیانه می‌داند. امروز هم هجوم داعش را که ساخته و پرداخته دست رنج خود و غرب می‌داند، حمایت از داعش به عنوان بخشی از راهبردهای واشنگتن در خاورمیانه محسوب می‌گردد تا با کمک آنها چهره‌های خشن اسلام را معرفی نماید و مسلمانان خاورمیانه را پس از روبرو شدن با گروه‌های تروریستی تکفیری که ادعای شریعت اسلام را دارند، به سمت تجدیدنظر در عقاید خود هدایت کند و در نهایت، خاورمیانه‌ای کاملاً مطابق با ارزش‌های

آمریکایی بسازند. در نهایت اینکه آمریکا به بهانه مبارزه با تروریسم و تشکیل ائتلاف‌های منطقه‌ای به دنبال حضور بلندمدت در منطقه به عنوان یک الزام همیشگی است و این همان هدفی است که آمریکا در راستای منافع سیاسی، نظامی اقتصادی خود در منطقه دنبال می‌کند. سیاست خارجی آمریکا در منطقه خاورمیانه مبتنی بر اهداف و راهبردهای کلانی است که طی دهه‌های اخیر همواره ثابت بوده و با تغییرات دولت‌ها نیز تداوم یافته است (فرهنگ نیوز، ۱۳۹۴: ۵۰).

این راهبردها به چهار دسته کلی تقسیم می‌شوند که هر کدام اهداف خاصی را تعقیب می‌کنند. اولین راهبرد، اقتصادی است که تسلط بر نفت خاورمیانه و به عبارتی انرژی جهان مهم‌ترین هدف آن است.

منطقه خاورمیانه با محوریت خلیج فارس ۶۶ درصد از ذخایر شناخته شده نفت جهان را دارا می‌باشد. از لحاظ تولید نفت از دو منطقه مهم خاورمیانه یعنی خلیج فارس و مدیترانه شرقی خلیج فارس به لحاظ وجود ذخایر عظیم نفت مهم‌ترین مقام را در تمام محاسبات استراتژیک جهان صنعتی کسب کرده است. بیش از ۳۶۵ میلیارد بشکه نفت در این منطقه انباشته شده است. همچنین خلیج فارس به لحاظ دربر داشتن ۷۶ تریلیون مترمکعب منابع گاز طبیعی که حدود ۳۰ درصد ذخایر گاز طبیعی کل جهان را تشکیل می‌دهد، از اهمیت خاصی برای قدرتهای بزرگ به ویژه آمریکا برخوردار است. روزانه حدود ۱۵ تا ۱۶ میلیون بشکه نفت از کشورهای عربستان سعودی، کویت، ایران، عراق، قطر و امارات عربی متحده از طریق تنگه هرمز صادر می‌شود. این مقدار نفت حدود پنجاه درصد از مصرف روزانه کشورهای جهان به جز کشورهای سابق بلوک شرق را تشکیل می‌دهد (ثقفی عامری، ۱۳۷۳: ۳۵).

دومین راهبرد سیاسی است که تقابل با اسلام انقلابی و تأمین امنیت رژیم صهیونیستی است. سومین راهبرد نظامی است که اهدافی چون راه‌اندازی پایگاه‌های نظامی را در خاورمیانه مدنظر قرار داده است.

چهارمین راهبرد، فرهنگی و اجتماعی است که در آن اهدافی چون تهی کردن مردم منطقه از فرهنگ و تمدن هزار ساله خود، گسترش فحشا و منکرات در بین کشورهای اسلامی، رواج فرهنگ غربی (لیبرال دموکراسی) و یکسان‌سازی فرهنگی در بین ملت‌های غرب آسیا را آمریکا در دستور کار دارد (نجفی‌سیار، ۱۳۹۴: ۵۰). آنچه که امروزه به شکل بحران‌های فرارونده و بی‌پایان در کشورهای نظیر عراق، سوریه، یمن و حتی لبنان مشاهده می‌شود، نتیجه تلاش‌های

آمریکا برای استفاده از این روش فرصت‌ساز و هزینه‌زدا است. ایالات متحده آمریکا از هر فرصت و ظرفیتی برای برانگیختن اختلافات درون تمدنی و نفوذ در کشورهای منطقه استفاده می‌کند. طبیعی است که موقعیت استراتژیک، جایگاه اقتصادی و ارتباطی منطقه و وجود وصله ناهم‌گونی به نام اسرائیل باعث می‌شود قدرت‌های بزرگ در تحریک و استمرار منازعات نقش داشته باشند. از همین رو است که برژینسکی از خاورمیانه به عنوان بالکان‌های جهانی یاد می‌کند، چرا که بحران‌های آن دارای پیامدهای جهانی است.

غایت یا نتیجه راهبر اختلاف‌افکنی آمریکا در منطقه، بی‌تردید تجزیه کشورهای منطقه به قلمروهای جداگانه جغرافیایی و ترسیم جغرافیای جدید منطقه بر اساس منافع ژئوپلیتیک، ژئواستراتژیک و ژاکونومیک ایالات متحده است. مهم‌ترین مبدع این طرح را می‌توان (جو بایدن) معاون فعلی رئیس‌جمهور آمریکا دانست. وی طراح دوباره نقشه خاورمیانه جدید است که اولین بار در سال ۲۰۰۶ در اوج جنگ عراق مطرح شد. راه‌حل عراق را در تقسیم آن به سه منطقه خودمختار کردنشین، شیعه و سنی مطرح شد (نجفی سیار، ۱۳۹۴: ۵۳). از طرف دیگر اهداف آمریکا از طرح خاورمیانه جدید می‌توان به تضمین امنیت اسرائیل اشاره نمود. اهمیت اسرائیل در سیاست‌های آمریکا به حدی است که میرشایمر و والت معتقدند که هدایت‌کننده سیاست ایالات متحده در خاورمیانه، عمدتاً تعهد به اسرائیل است و نه صرفاً منافع نفتی اگر کمپانی‌های نفتی یا کشورهای تولیدکننده نفت هدایت‌کننده سیاست‌ها بودند، آمریکا سعی می‌کرد به جای اسرائیل از فلسطین دفاع کند، علاوه بر آن، به جنگ عراق نمی‌رفت و ایران را به استفاده از نیروی نظامی تهدید نمی‌کرد (بیگدلی، ۱۳۸۴: ۶۵).

تقسیم‌بندی عراق طبق نظر «جو بایدن» در بودجه دفاعی آمریکا درست بر اساس نقشه خاورمیانه جدید و تبدیل عراق به سه بخش مجزا کرد: سنی و شیعی طراحی شده است؛ امری که پس از عراق سایر کشورهای مهم منطقه غرب آسیا از جمله سوریه و ایران را نیز در دستور کار دارد. تأکید مقامات آمریکایی از جمله «جو بایدن» بعد از توافق هسته‌ای برای حمایت از شبکه متحدین غرب‌گرا در ایران و دوگانه‌سازی میان مردم ایران در خصوص تعهدات برجام، در راستای این غایت خطرناک قلمداد می‌شود. بی‌تردید آشوب‌سازی و تجزیه منطقه جنوب غربی آسیا به کشورهای کوچک و ضعیف بیشترین نفع را برای آمریکا و متحد اصلی‌اش یعنی «رژیم صهیونیستی» دارد. این رژیم، دیگر خود را در محاصره کشورهای قدرتمند اسلامی نخواهد دید؛

_____ جریان تکفیری - سلفی در خاورمیانه و تأثیرات آن بر امنیت محیطی ...
کشورها بر اساس قومیت و مذهب تقسیم شده‌اند و باید سال‌ها به دنبال دولت- ملت‌سازی و تحکیم مرزهای جدید باشند (نجفی‌سیار، ۱۳۹۴: ۵۳).

۲. تقویت صهیونیسم و تضعیف جبهه مقاومت

یکی از مهمترین اهداف سیاسی خارجی ایالات متحده آمریکا ورژیم صهیونیستی، تضعیف جبهه مقاومت، متشکل از ایران، سوریه، حزب الله و برخی از گروه‌های مقاومت فلسطینی، همواره در تقابل با اهداف آمریکا و صهیونیست‌ها قرار داشته است؛ این جبهه اکنون مورد هجوم داعش و دیگر گروه‌های تکفیری قرار گرفته است. داعش به نمایندگی از استکبار جهانی، به دنبال نابودی سوریه است تا از این طریق، یکی از بازیگران مهم جبهه مقاومت را که پل ارتباطی میان ایران و حزب الله و گروه‌های فلسطینی محسوب می‌شود، قطع کند. شائل بن افرایم، صهیونیست، معتقد است که داعش به طور کامل، مطابق با منافع راهبردی و ملی آمریکا عمل می‌کند و فرصت کنونی که به یمن فعالیت جریان تکفیری ایجاد شده، نقطه عطفی است که آمریکا می‌تواند از آن در راستای ایجاد نوعی موازانه قوادر منطقه استفاده کند و قدرت ایران را که باحمله آمریکا به عراق و سقوط صدام حسین و به قدرت رسیدن دولت شیعی در این کشور و تقویت محور مقاومت، شامل حزب الله و حماس، روندی روبه‌تزايد داشت، تعدیل کند (Ben-Ephraim:2014).

اکنون این سخن بن افرایم بر همگان آشکار شده است و بحث درباره چند و چون آن نیاز نیست؛ رهبر انقلاب نیز در دیدار با شرکت‌کنندگان در «کنگره جهانی جریان‌های افراطی و تکفیری از دیدگاه علمای اسلام» به این موضوع اشاره کردند و فرمودند:

یک نکته‌ی غیرقابل انکاری وجود دارد، و آن این است که جریان تکفیر و حکومت‌هایی که پشتیبان و حامی آن هستند، کاملاً در جهت نیات استکبار و صهیونیسم دارند حرکت می‌کنند؛ کار آن‌ها در جهت هدف‌های آمریکا و دولتهای استعماری اروپا و رژیم اشغالگر صهیونیستی است؛ شواهدی این معنا را قطعی می‌کند. جریان تکفیر ظاهر اسلامی دارد اما عملاً در خدمت جریان‌های استعماری و استکباری و سیاسی بزرگی است که علیه دنیای اسلام دارند کار می‌کنند.

اکنون مقام‌های رژیم صهیونیستی نیز به درستی دریافته‌اند که داعش، کوچک‌ترین تهدیدی برای آن‌ها محسوب نمی‌شود و فرصتی بسیار مهم برای مقابله با گروه‌های مقاومت به شمار می‌آید.

آید. لازم است یادآوری شود که در جریان جنگ پنجاه روزه غزه گروه تروریستی داعش، کوچک ترین کمکی به منظور کمک به مقاومت فلسطین انجام نداد. (رضایی و موسوی، ۱۳۹۶: ۱۶۹-۱۵۹)

فرمانده اسبق ناتو (وسلی کلارک) به سی ان ان گفت (ببینید داعش با منابع مالی دوستان و متحدان ما شکل گرفت. وی نیز هدف از تشکیل این گروه را «مقابله بانفوذ ایران و مقاومت در منطقه» بیان کرد (روزنامه کیهان، ۱۳۹۳/۱۲/۲).

۳. تصویب قطعنامه ضد داعش در شورای امنیت سازمان ملل

شورای امنیت سازمان ملل متحد به اتفاق آراء ۱۵ عضو دایم و غیردایم خود، قطعنامه پیشنهادی روسیه علیه دولت اسلامی را در ۱۲ فوریه ۲۰۱۵ به تصویب رساند. این قطعنامه تحت عنوان «امنیت جمعی» قطعنامه‌ای الزام‌آور است که از اعضای سازمان ملل درخواست دارد موارد ذیل را اجرا کنند:

الف) ممنوعیت هرگونه تجارت مبادله اقتصادی و همچنین ممنوعیت خرید نفت از گروه‌های موسوم به دولت اسلامی و جبهه النصره. این مورد شامل هر گونه فروش تجهیزات نظامی و غیرنظامی به گروه‌های زیر شده در سوریه و عراق نیز خواهد شد.

ب) ممنوعیت خرید و ممنوعیت هر گونه کمک به صادرات آثار باستانی در کشورهای سوریه و عراق از سوی دولت اسلامی (مرکز مطالعات معاونت سیاسی ارتش، ۱۳۹۴: ۴۶).

ج) تلاش برای جلوگیری از اعطای امتیاز سیاسی و یا پرداخت باج با انگیزه رهایی گروگان‌ها به داعش کمک‌های عربی- غربی تاکنون اسناد و گزارش‌های زیادی درباره کمک‌های کشورهای عربی- غربی به تروریست‌ها در سوریه منتشر شده است و بارها نیز مقامات عربی - غربی به این موضوع اذعان کرده‌اند. در میان کشورهای عربی عربستان، کویت، قطر و امارات بیشترین کمک مالی را به تروریست‌ها از جمله داعش در سوریه انجام دادند. علاوه بر این، افراد ثروتمند در کشورهای عربی نیز صدها میلیون دلار در اختیار داعش قرار داده و از رهبران و اعضای ارشد آن‌ها میزبانی کرده‌اند (Hollingshead. 20June2014)

قطعنامه ۲۲۵۴ را می‌توان یک قطعنامه آرمانی دانست که در بازه زمانی ۶ ماهه به دنبال ایجاد دولت انتقالی و ظرف ۱۸ ماه برگزاری انتخابات جدید قانون اساسی است (UNSC2254 2015) و البته سندی که مستقیماً به حل بحران سوریه می‌پردازد بر خلاف قطعنامه‌های

پیشین که صرفاً بعد از مسائل مربوط به بحران را مد نظر قرار داده بودند. می‌تواند تصویب این قطعنامه را نتیجه اراده و توافق اعضای دائم با هدف آزمون تلاش‌های دیپلماتیک بین‌المللی ۴ ساله برای پایان دادن به بحران سوریه در چهارچوب شورای امنیت دانست. این توافق را می‌توان ناشی از دو مسأله دانست. اولین این که با مشاهده نتایج صادره در خصوص استفاده از تسلیحات شیمیایی توسط سازمان منع از تسلیحات شیمیایی، روسیه و چین دیگر تمایلی به حمایت تمام‌قد از حکومت سوریه نداشتند. دوم رسیدگی به تهدید اعمالی از جانب داعش و گروه تروریستی در سوریه بود که در واقع با وجود شرایط بی‌ثبات سیاسی در سوریه تشدید می‌شد. بر اساس این قطعنامه، مذاکرات میان نظام و مخالفان از ژانویه ۲۰۱۶ به منظور تلاش برای برقراری آتش‌بس آغاز می‌شد. قانون اساسی جدید با نظارت سازمان ملل ظرف شش ماه تدوین و پس از آن انتخابات ظرف ۱۸ ماه برگزار می‌شد. بنابراین مشاهده می‌شود که مدت دو سال برای طی کردن روند انتقالی قدرت در این قطعنامه در نظر گرفته شده است. همچنین در قطعنامه مذکور راهکاری اجرایی برای آتش‌بس پیش‌بینی نشد، بلکه صرفاً تأکیدی بر اجرای همزمان آن با آغاز روند گفت‌وگوها وجود داشت. یکی از ابهامات این بود که چطور ارتش و گروه‌های مسلح مخالف سلاح خود را زمین بگذارد، فکری برای تروریست‌های مجهز داعش و الانصره بیشترین حضور کمی و کیفی را در خاک سوریه داشتند نشده بود. دولت سوریه در این رابطه خواهان ضمانت اجرا بود. از این رو، پیش از اجرای هر اقدام سیاسی می‌بایست چگونگی برخورد با تروریست‌های تکفیری مدنظر قرار می‌گرفت در غیر اینصورت آتش‌بس بهترین فرصت برای گسترش تروریست‌ها و کسب پیروزی‌های بیشتر آن می‌شد. موضوعی دیگر نقش معارضان سوری در قطعنامه بود. به طور حتم با توجه به تأکید بر یک پارچگی و حاکمیت دولت سوریه آن دسته از معارضان که تروریست بودند یا دنبال تجزیه این کشور بودند جایی در آینده سیاسی نداشتند و باید از صحنه حذف می‌شدند. اما آن دسته از معارضانی که حاکمیت، استقلال و وحدت سوریه را پذیرفته بودند که میشد از آن‌ها به عنوان معارضان وطن‌خواه یا ملی نام برد، در مذاکرات آتی نیز نقش داشتند (مهتدی، ۱۳۹۴).

نکته حائز اهمیت دیگر این قطعنامه نام نبردن از بشار اسد و کناره‌گیری وی بود این مسأله نشان می‌دهد که دولت‌های غربی از تصویب قطعنامه‌ای که صراحتاً پایان کار حکومت فعلی را خواستار می‌شد ناامید شده و تن به تصویب قطعنامه‌ای دادند که حداقل شرایط لازم را

برای تغییر فراهم می‌آورد و دیگر اهداف خود را از طریق مذاکرات و به‌کارگیری دیپلماسی در خلال جلسات پیرامون بیانیه ژنو و یا نشست‌های وین پیگیری نمایند.

با توجه به بند اجرایی شماره ۴ این قطعنامه انتخابات آتی سوریه با حضور سوریه‌های خارج از کشور انجام می‌گرفت و این به نوعی می‌توانست پایان کار حکومت بشار اسد باشد. گام دیگر در راستای توقف خصومت‌ها در سوریه را می‌توان قطعنامه ۲۲۶۸ دانست (UNSC 2268, 2016).

این قطعنامه خواستار توقف خصومت‌ها در سوریه می‌شد. که توسط هر دو طرف یعنی حامیان حکومت بشار اسد و مخالفین آن مورد توافق قرار گرفت. اندکی بعد قطعنامه ۲۳۳۶ در آخرین روز سال ۲۰۱۶ از سوی شورای امنیت صادر شد تا زمینه ساز تحقق تلاش دیگر برای اجرای آتش‌بس در سوریه باشد (UNSC 2336, 2016).

در پیوست این قطعنامه مواردی همچون رژیم آتش بس مکانیسم ثبت موارد نقض آتش بس، رژیم تحریم ناقضان آتش بس و مذاکرات سیاسی برای حل بحران مطرح شده است. قطعنامه ۲۳۳۶ دو محور اساسی دارد، آتش‌بس و مذاکرات سیاسی در آستانه به عنوان مقدمه مذاکرات ۸ فوریه در ژنو باقی موارد از جمله قطعنامه ۲۲۵۴ ذکر شده بودند اما یکی از مهمترین تفاوت‌های این دو قطعنامه یکی موضوع سیاسی و جایگزینی ترکیه به جای آمریکا است. قطعنامه ۲۲۶۸ به صورت آشکار و مشخص ناشی از اراده روسیه و آمریکا و تلاش‌های این دو برای برقراری آتش‌بس در سوریه بود. این قطعنامه در واقع نتیجه توافق این دو بازیگر بود که مورد پذیرش سایر اعضای شورای امنیت نیز قرار گرفت، اما در قطعنامه ۲۳۳۶ ترکیه توانست با ارتقای نقش سیاسی، خود را به عنوان یکی از طرفین آتش بس و سپس قطعنامه ۲۳۳۶ قرار دهد. علاوه بر این غیبت یک قدرت غربی در گفت و گوهای آتش بس سوریه، و همچنین در آستانه مذاکرات اشاره به شکست سیاست‌های آمریکا در سوریه داشت. (سجادپور، باغبان کندی، ۱۳۹۷: ۳۲-۳۰).

۴. تأثیر جریان‌ات تکفیری بر امنیت جمهوری اسلامی ایران

امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران به دو دلیل عملاً با ظهور و شکل‌گیری این جریان‌ها به شدت به خطر افتاده است. دلیل اول ایدئولوژیکی است و دلیل دوم ژئوپلیتیکی جریان‌های تکفیری اصولاً در مقابل تفکر شیعه شکل گرفته‌اند و به شدت شیعه‌ستیز هستند و از طرف دیگر کمک بزرگی به پروژه اسلام‌هراسی غرب با اقدامات خشونت‌آمیز خود کرده‌اند که دو

عامل اساسی و بنیان نظام جمهوری اسلامی ایران را که یک نظام شیعی با داعیه رهبری نظام اسلام و گسترش تفکر اسلامی است، به شدت به چالش می‌کشند. علاوه بر این جریانات تکفیری با قدرت‌نمایی خود در حوزه راهبردی نفوذ منطقه‌ای ایران و مجاورت با مرزهای جغرافیایی متحدین منطقه‌ای کشورمان را با خطر مواجه کرده است که به طور حتم اثرات منفی زیادی بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران به جای گذاشته و خواهد گذاشت. در ابتدای شهریور ماه ۱۳۹۴ در برنامه نگاه یک که از شبکه اول سیمای جمهوری اسلامی ایران پخش گردید، وزیر محترم اطلاعات حجت‌الاسلام علوی در خصوص کشف خنثی کردن تعداد زیادی اقلام مواد منفجره در استان‌های شرق کشور «سیستان و بلوچستان» که از جانب گروه‌های تکفیری «القاعده، طالبان، داعش و جبهه النصره» که قصد خرابکاری و اغتشاش در سطح جمهوری اسلامی ایران را داشته‌اند، دستگیر شده‌اند (روزنامه همشهری، ۱۳۹۲/۲/۳۰). بنابراین می‌توان گفت استراتژی اصلی جریان سلفی‌گری در عراق معطوف به تضعیف و مهار موقعیت ژئوپلیتیک ایران از طریق سیاست «تشدید منازعات فرقه‌ای در قالب شیعه و سنی» می‌باشد که رسانه‌های عربی نیز در همگرایی با این راهبرد شیعیان را نماینده واقعی حضور ایران در عراق به شمار می‌آورند (هاشمی، ۱۳۸۵: ۷۱). به نظر می‌رسد چنانچه این جریان در همکاری با بازیگران منطقه‌ای و فرماندهان بتواند اهداف خود را در عراق پیش ببرد، قطعاً در چشم‌انداز کلان، سطوح گوناگون داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی، ایران و شیعیان را متأثر خواهد کرد که بخشی از آن دارای ابعاد امنیتی است، زیرا به واسطه ایجاد بی‌ثباتی سیاسی در این حوزه ژئوپلیتیکی، امنیت ملی ایران تهدید می‌شود، حتی ورود سلفی‌ها به ساختار قدرت عراق با رویکرد فعلی می‌تواند اختلاف سرزمینی و مرزی ایران و عراق را تشدید نماید (خسروی، ۱۳۹۰: ۱۲۸). همچنین تسلط داعش بر بخش‌های سنی‌نشین عراق بیشترین تهدیدات منطقه‌ای را برای جمهوری اسلامی ایران ایجاد می‌کند. لازم به ذکر می‌باشد که داعش رویکرد بسیار رادیکال‌تری در قبال شیعیان و جمهوری اسلامی ایران در مقایسه با القاعده دارد. تسلط گروه افراط‌گرا و تروریستی داعش بر مناطق سنی‌نشین عراق باعث گسترش جدی فعالیت‌های این گروه در قبال اهداف و مراکز شیعی و توهین به اماکن و مقدسات شیعی می‌شود و این موضوع برای ایران به عنوان پرچمدار شیعه در جهان خطری مذهبی و حیثیتی محسوب می‌شود.

برنامه ریزی دفاعی ایران برای مقابله با تهدیدهایی است که فراروی جمهوری اسلامی ایران ایجاد شده است. هم اکنون، طیف گسترده‌ای از تهدیدها، امنیت ملی ایران را با مخاطره روبرو

ساخته است. از آنجایی که ساختار دفاعی ایران براساس جلوه‌هایی از خوداتکایی شکل گرفته است، بنابراین نمی‌توان نسبت به تهدیدهای منطقه‌ای و بین‌المللی بی‌تفاوت بود. جدال‌های آمریکا را می‌توان یکی از شاخص‌های تهدید علیه امنیت ملی ایران دانست. جلوه‌های دیگری از تهدید از سوی کشورهای حوزه خلیج فارس و همچنین منطقه خاورمیانه بزرگ ایجاد شده است. به این ترتیب، نهادهای دفاعی ایران می‌بایست نسبت به فضای ایجاد شده واکنش نشان دهند.

ایران به عنوان یکی از پنج کشور جهان با جمعیت غالب شیعه (در کنار عراق، بحرین، آذربایجان و لبنان) و جمهوری اسلامی به عنوان تنها نظام شیعی برای ادامه بقا، باید واقعیت‌های محوری محیط راهبردی درونی و بیرونی خود را بشناسد و براساس اصل برتری منافع ملی و با تأکید بر اعمال موازین کلان قانون اساسی، گزینه مناسبی را برای کاهش تهدیدهای راهبردی و تبدیل آن‌ها به فرصت به کار گیرد. در شرایط و اوضاع کنونی منطقه خاورمیانه و موفقیت‌های جبهه مقاومت در سوریه حاکی از ایجاد زمینه‌های مطلوب برای اقتدار منطقه‌ای ایران بوده و نمادی از ارتباط تنگاتنگ میان دگرگونی در وضعیت با کارکردهای دیپلماتیک برای کشور ایران است. از نظر فلسفی‌ها و حامیان منطقه‌ای آن‌ها، عراق جدید با توجه به نقش فرصت‌ساز شیعیان آن، مهم‌ترین حلقه اتصال راهبردی ایران به حوزه‌های رقابت و نفوذ در سطح منطقه به حساب می‌آید. به ویژه آنکه، در دوره جدید، درجه تعاملات دو کشور برای نخستین بار بر محور اتصالات طبیعی فرهنگی و سیاسی بین ملت‌ها و دولت‌ها بطور همزمان قرار گرفته و موجب ارتقای روند همگرایی و همکاری آن‌ها در مناسبات منطقه‌ای نیز خواهد شد. در راستای موضع‌گیری کشور‌های عربی علیه تحول ژئوپلیتیک منطقه که اوج آن در اظهارات پادشاه اردن (شکل‌گیری هدال شیعی) ظاهر شد (جعفر ولدانی، ۱۳۹۲: ۵۴).

نقش پررنگ ایران در راستای مبارزه با گروه‌های تروریستی داعش، القاعده (با عناوین متفاوت) ظرفیت‌های نقش‌آفرینی جهانی برای ایران تولید کرده و ضمن شکست پروژه ایران‌هراسی مبتنی بر همدستی با تروریسم، غرب و حامیان منطقه‌ای آن را نیز در زمینه مبارزه با تروریسم به چالش کشیده است، به دنبال پروژه ایران‌هراسی، طرح شیعه‌هراسی از سوی ملک عبدالله دوم جهت تقویت تقابل شیعه-سنی مطرح گردید، هدف از پیشنهاد این طرح ایجاد شبهه در جهان بوده که ایران در یک طرح ژئوپلیتیکی در نوار هلالی شکل در خاورمیانه می‌خواهد با استفاده از جوامع شیعی در استان‌های حضا و قطیف عربستان و شیعیان بحرین، عراق، سوریه

ولبنان تشیع رابرتسنن درجهان اسلام غالب وچیره سازد وهلال شیعه رامستقیماً رو درروی وهابی گری قراردهد (Mojtahedzadeh,2013:4).

به طور کلی مهم ترین تهدیدات امنیتی ناشی از اقدامات داعش برای جمهوری اسلامی ایران به طور خلاصه به شرح ذیل است:

۱. نزدیک شدن حوزه عمل این گروه به مرزهای جغرافیایی ایران: اگرچه محوریت فعالیتهای این گروه در غرب عراق و استان الانبار (بزرگترین استان عراق در مجاورت مرزهای سوریه) است اما در پی تحولات اخیر حوزه عمل این گروه به مناطق شرقی عراق و تا نزدیکی مرزهای جمهوری اسلامی ایران گسترش یافته است. با وجود آنکه برخی گزارش ها حکایت از محدودیت تعداد نفرات در اختیار این گروه و عدم توانایی قابل توجه آنان برای صورت دادن اقدامات جدی علیه مناطق مرزی جمهوری اسلامی ایران دارد اما به هر حال نزدیک شدن این گروه تروریستی به مرزهای ج. ا. ایران می تواند پیامدهای امنیتی برای کشور در بر داشته باشد که به ویژه در صورت دستیابی این گروه به سلاح های میان برد ابعاد جدی تری خواهد یافت.

۲. همکاری های موساد - داعش و امکان تسریع فعالیت های تروریستی داعش به کردستان: بی شک گروه تروریستی داعش یکی از مهم ترین جبهه های فعالیت منطقه ای موساد را تشکیل می دهد. فعالیت این گروه چه در سوریه و چه در عراق منافع بسیاری برای رژیم صهیونیستی در برداشته است و مسلماً موساد کمک های مالی، اطلاعاتی و تسلیحاتی زیادی به این گروه ارائه می کند. این امر همراه با سابقه زیاد فعالیت های موساد در کردستان عراق و سوریه می تواند موجب افزایش اقدامات تروریستی این گروه در منطقه کردستان عراق شده و محملی برای تسریع اقدامات خرابکارانه و تروریستی در مناطق مرزی کردستان گردد.

۳. امکان برقراری پیوند شوم داعش-منافقین: با توجه به آنکه منافقین همچنان فعالیت هایی در عراق صورت می دهند شکل گیری پیوند شوم داعش- منافقین دور از ذهن نبوده و با توجه به رویکرد بسیار افراطی داعش در اقدامات تروریستی می تواند تبعاتی برای کشور در بر داشته باشد. اگر چه مسلماً در نهایت با توجه به آمادگی و هوشیاری نیروهای اطلاعاتی، امنیتی و نظامی جمهوری اسلامی ایران این پیوند حتی در صورت شکل گیری تهدیدی چندان جدی محسوب نمی شود اما لازم است برای پیشگیری از اثرگذاری محدود آن نیز تمامی تمهیدات لازم اندیشیده شود.

۴. امکان شکل‌گیری تهدیدهای امنیتی در مرزهای شرقی کشور: اگر چه اختلافات جدی میان القاعده و داعش وجود دارد و به نوعی می‌توان گفت که این دو گروه از یکدیگر جدا شده‌اند اما وجود بقایای تندروی القاعده در افغانستان و پاکستان و برقراری پیوند احتمالی آنها با داعش می‌تواند موجب بروز تهدیدات امنیتی در مرزهای شرقی جمهوری اسلامی ایران گردد. شایان ذکر است اخیراً این گروه تروریستی تهدیداتی مبنی بر اقدامات تروریستی در شهر مقدس مشهد صورت داده که می‌تواند نشانه‌ای از این رویکرد باشد.

تشکیل حکومت دولت اسلامی عراق و شام، می‌تواند تشکیل یک دولت میلیتاریستی با محور ایدئولوژیک در کنار مرزهای ایران باشد. این امر می‌تواند جبهه‌های مقاومت را کاملاً کمر شکن کرده، مغز مقاومت (یعنی تهران) را از بدنه یعنی سوریه و از دست و پایش یا لبنان و فلسطین کاملاً جدا سازد و یک شکاف استراتژیک به وجود آورد. در عین حال تشکیل داعش یا سویه‌گیری‌های افراطی اهل تسنن و رویکرد مذهبی - نظامی می‌تواند نقطه‌ی تقابلی با تهران باشد. اگر تهران مرزهای امنیتی خود را در جنوب لبنان قرار داده، اسرائیل در حمایت از داعش می‌تواند مرزهای امنیتی خود را با ایران به مرزهای غربی ایران با عراق منتقل کند. از این جهت بزرگ‌ترین حامی داعش می‌تواند رژیم حاکم بر تل‌آویو باشد و بیشترین نفع را برای اسرائیل داشته باشد. چرا که اسرائیل اگر بتواند این معنا را دنبال کند که یک اسرائیل جدید با رویکرد صهیونیست اسلامی در مرزهای عراق نزدیک ایران به وجود آورد.

تضعیف بیش از پیش دولت شیعی در عراق و حکومت بشار اسد پیامد امنیتی دیگر تجزیه عراق برای ایران خواهد بود. تحولات تاریخی تهران، دمشق و بغداد را طی سال‌های اخیر کنار هم قرار داده است. این اتحاد مانع از پیشبرد تحولات ژئوپلیتیک به نفع آمریکا و اسرائیل در خاورمیانه می‌باشد. (بیرانوند، ۱۳۹۴، ۱۱۳)

نتیجه‌گیری

به طور کلی همان‌طوری که در مطالب اشاره کردیم، تهدیدات امنیتی ناشی از اقدامات جریان تکفیری در منطقه خاورمیانه سوغاتی می‌باشند که از آستین غرب و آمریکا شکل گرفته‌اند تا با ایجاد اختلاف، با جنگ‌های داخلی و یا ترویج افراطی‌گری، انحرافی به نام اسلام به نام دین و شریعت، عده‌ای از مسلمانان را اغفال نمایند، آمریکا و غرب جریان‌های تکفیر را فعال کردن تا از یک سو حضور خود را در جهان اسلام تضمین کنند و از سوی دیگر از وحدت

و همگرایی در میان مسلمانان جلوگیری نمایند. با توجه به سؤال اصلی این مقاله که جریان تکفیری‌ها چگونه شکل گرفته است؟ همان طور که در مقاله اشاره شده اشغال ده‌ساله خاک عراق از سوی نیروهای آمریکایی و انگلیسی منشأ اصلی پیدایش گروه تروریستی در این کشور بوده است. در نتیجه تسلط داعش بر بخش‌های سنی‌نشین عراق بیشترین تهدیدات را برای منطقه خاورمیانه و جمهوری اسلامی ایران ایجاد کرده است. همچنین تسلط گروه افراط‌گر و تروریستی داعش بر مناطق سنی‌نشین عراق باعث گسترش جدی فعالیت‌های این گروه در قبال اهداف و مراکز شیعی و توهین به اماکن و مقدّسات شیعی می‌شود و این موضوع می‌تواند برای ایران به عنوان پرچمدار شیعه در جهان خطری مذهبی و حیثیتی باشد. در فرضیه مقاله هم به این نتیجه رسیدیم که جریان تکفیری پس از موج بیداری‌ها با حمایت‌های مالی و سیاسی آمریکا و عربستان و رژیم صهیونیستی شکل گرفته است. عربستان و آمریکا به عنوان حامیان این گروه تکفیری می‌باشند، رهبران تکفیری از این عامل جهل کمال سوء استفاده را می‌نمایند. به نظر نگارنده واقعیت این است که بعد از جریان بیداری اسلامی در منطقه و افزایش نقش و نفوذ ایران در جریان این بیداری، قدرت‌های معارض منطقه‌ای و بین‌المللی با حمایت پشتیبانی از جریان‌های تروریستی و معاند داخلی ایران به دنبال راه انداختن معضلات امنیتی برای جمهوری اسلامی و به تعاقب آن جلوگیری از نفوذ منطقه‌ای کشورمان هستند. تحرکات تروریستی جیش‌العدل در مرزهای جنوب شرقی ایران و نیز تحرکات داعش و جبهه النصره و... در راستای این سیاست تحلیل می‌شود. جیش‌العدل که همان باقی مانده جندالشیطان به سرکردگی ریگی معدوم است، در سال‌های اخیر با حمایت‌های عربستان سعودی، ضعف، سکوت و حتی همکاری پاکستان و نیز پشتیبانی و کمک‌های رژیم صهیونیستی در کنار حمایت‌های برخی دیگر از عمال‌های منطقه‌ای و بین‌المللی دست به اقدامات و تحرکات تروریستی چندی در مرزهای شرقی ایران زده که آخرین نمونه آن به شهادت رساندن ۸ مرزبان جمهوری اسلامی بوده است. علی‌رغم این دستور کار منطقه‌ای و حتی بین‌المللی برای انزوا، بایکوت و شکست سیاسی - نظامی ایران در منطقه، جمهوری اسلامی ایران نه تنها توانست امنیت مرزهای خود را حفظ نماید، بلکه همچنین قادر شد دستور کار جنگ نیابتی معارضان منطقه‌ای و بین‌المللی خود را خنثی نموده و افزون بر آن نفوذش را در مناطق راهبردی غرب آسیا افزایش دهد.

با توجه به مطالب فوق در شرایطی که منطقه خاورمیانه در آستانه تغییرات و آبستن حوادث جدیدی شده است، به نظر می‌رسد جمهوری اسلامی ایران در این برهه زمانی می‌تواند نقش

سازنده و تأثیرگذار به عنوان یکی از بازیگران متنفذ منطقه‌ای در حل بحران‌ها، استقرار امنیت، تقویت صلح و ثبات و نیز رفع تهدیدات تروریستی داشته باشد.

فهرست منابع

الف) منابع فارسی

بصیری، محمد علی (۱۳۹۰)، «تأثیر بیداری اسلامی و نابرابری اجتماعی جامعه اسرائیل و امنیت و ثبات این رژیم»، *مجله علمی تخصصی پژوهش‌های سیاسی*، شماره ۱.

بیرانوند، مجید (۱۳۹۴)، *تروریست‌های تکفیری تهدیدات و فرصت‌های پیش روی جمهوری اسلامی ایران*، واحد خرم‌آباد، دانشکده حقوق و علوم سیاسی.

بیگدلی، علی (۱۳۸۴)، «نقشه تصاحب خاورمیانه»، *ماهنامه زمانه*، شماره ۴۴، اردیبهشت، صص ۶۵-۶۲.

ثقفی عامری، ناصر (۱۳۷۳)، *استراتژی و تحولات ژئوپلیتیک پس از دوران جنگ سرد*، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.

جعفری ولدانی، علی اصغر (۱۳۹۲)، «نقش قدرت‌های منطقه‌ای در بحران سوریه»، *فصلنامه مطالعات خاورمیانه*، سال بیستم.

خسروی، غلامرضا (۱۳۹۰)، *چشم‌اندازه آینده عراق*، تهران: انتشارات پژوهشکده، مطالعات راهبردی. رضایی رضا و موسوی سیدصدرالدین (۱۳۹۶)، «ظهور داعش و تأثیر آن بر معادلات منطقه‌ای: مطالعه موردی چالش‌ها و فرصت‌های به وجودآمده برای ایران»، *جامعه‌شناسی سیاسی جهان اسلام*، دوره ۵، شماره ۲، پاییز و زمستان، صص ۱۷۴-۱۴۹.

رضایی فرهنگی، رسول (۱۳۹۴)، «تأثیر ظهور گروه‌های تکفیری در خاورمیانه بر امنیت جمهوری اسلامی ایران»، *مجموعه مقالات کنگره انجمن ژئوپلیتیک ایران*، سنندج ۲۰ و ۲۱ دی ماه.

سجادپور، سید محمد کاظم و باغبان کندی، سعید (۱۳۹۷)، «بررسی قطعنامه‌های شورای امنیت سازمان ملل متحد در رابطه با بحران سوریه ۲۰۱۱ تا ۲۰۱۷»، *فصلنامه سیاست خارجی*، سال ۳۲، شماره ۲، صص ۳۸-۵.

سهرابی، علی (۱۳۹۷)، *ائتلاف‌های بین‌المللی علیه تروریست در خاورمیانه؛ تحت رهبری آمریکا علیه داعش*، واحد خرم‌آباد، دانشگاه آزاد اسلامی.

سید نژاد، سید باقر (۱۳۸۹)، «سلفی‌گری در عراق و تأثیر آن بر امنیت جمهوری اسلامی ایران»، *فصلنامه راهبردی*، سال سیزدهم، شماره اول، بهار، صص ۱۲۲-۹۵.

_____ جریان تکفیری - سلفی در خاورمیانه و تأثیرات آن بر امنیت محیطی ...

شیرازی، ابوالحسن و همکاران (۱۳۹۱)، سیاست و حکومت در خاورمیانه، تهران: انتشارات سمت.
عباس زاده فتح آبادی، مهدی و سبزی، وح الله (۱۳۹۴)، «شیوه های هویت جویی القاعده و داعش»،
اطلاعات سیاسی اقتصادی شماره ۳۰۲، صص ۶۸-۵۴.

علیزاده موسوی، مهدی (۱۳۸۹)، سلفی گری و وهابیت، قم: پاد اندیشه.

فرهنگ نیوز (۱۳۹۴)، داعش جاده صاف کم طرح (مسیر سوم) جو بایدن برای خاورمیانه، ۴
خردادماه.

الگار، حامد (۱۳۸۶)، وهابی گری، ترجمه احمد ایمانی، مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی.

موثقی، سید احمد (۱۳۸۹)، جنبش های اسلامی معاصر، تهران: انتشارات سمت.

مهدتی، علی (۱۳۹۴)، «امید دمشق به قطعنامه ۲۲۵۴»، دیپلماسی ایرانی، ۶ دی ماه.

مهربان، احمد (۱۳۸۷)، «جنگ علیه تروریسم و افزایش حملات انتحاری در عراق و افغانستان»،
فصلنامه راهبردی، سال ۱۶، شماره ۴۸، پاییز، صص ۵۶-۳۱.

هاشمی، محمد صادق (۱۳۸۵)، اشغال عراق توسط آمریکا، پیامدها و نتایج طرح خاورمیانه
بزرگ، ترجمه محمدرضا بلوردی، تهران: موسسه اندیشه سازان نور.

هوشی سادات، سید محمد (۱۳۹۳)، داعش، میراث سیاسی غربی - عربی، تهران: مرکز پژوهش های
مجلس شورای اسلامی.

ب) منابع انگلیسی

Arshad.Khan(2003), **Islam, Muslims and America**, New Yourk: Algora
Pubishing.

Jervis,Robert (2003),"Understanding the Bush Doctrine", **Political Scieence
Quarter**, Vol.118, Fall ,pp 365-388.

Afrasiabi (2014), "The New Iraq Crisis", **Irans Options Iran Review**.

Ben-Ephraim,shaiel(2014),**Why ISIS iS Actually Good for US** ,Strategy in
the Region, www.academia.edu, August26,2014, retrvied on
Agust8,2017.

Mojtahzadeh,pirouz (2013)intervention in the middle East geopolities.

United Nations Security (2015), **Council Resolution S/RES2254**. 18
December.

United Nations Security Council(2016), **Council Resolution S/RES02268**
(2016)26 february.

United Nations Security (2016), **Council Resolution S/RES.2336** 31
DECEMBER.